

عنوان مقاله:

دین داری و جهانی شدن

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره 7، شماره 24 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

خلاصه مقاله:

جهانی شدن عبارت است از «بسط جهان غربیه»؛ جهانی که از دیالکتیک میان «ذهنیت کنش گران جهان نزدیک» با «عینیت عناصری که از جهان دور آمده اند» شکل گرفته است. بسط جهان غربیه، عناصر جهان آشنا را دستخوش دگرگونی می سازد. «دین داری» نیز به عنوان یکی از مهم ترین عنصر جهان آشنا از این تأثیرات مصون نخواهد ماند. در این مقاله، دین داری ها به چهار گونه تقسیم شده است: ۱) دین داری روش مدار، که در آن، روش های دست یابی به اهداف دینی و معنوی بر خود هدف ها اولویت دارند. ۲) دین داری هدف مدار که در آن اهداف اصالت دارند و روش ها می توانند سیال و متغیر باشند. ۳) دین داری اخلاق مدار که متعلقان اش چهارچوب های کلی زندگی شان را بر اساس ضوابط اخلاقی و عقلانی می سازند و دین به معنای رایج اش، حداکثر در کنار سایر بخش های زندگی شان قرار دارد. ۴) دین داری عرف مدار که دین داری ای است کم تر آگاهانه و بیش تر در تقلید از عرف رایج، هر یک از این چهار دسته دین داران، با بسط جهان غربیه و عناصر آن مواجهه ای متفاوت دارند که چهار پیامد مختلف در پی خواهد داشت: خودآگاه شدن کنش گر، فعال شدن کنش گر، تیز شدن دین داری ها و ایجاد دین داری های بدیل.

کلمات کلیدی:

جهانی شدن، دین داری، جهان زندگی، دین داری روش مدار، دین داری هدف مدار، دین داری اخلاق مدار، دین داری عرف گرا، خودآگاه شدن کنش گر، فعال شدن کنش گر، تیز شدن دین داری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1938829>

